



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
In the Name of Allah, the Compassionate the Merciful



# علم و دین در افق جهان بینی توحیدی

مهدی گلشنی

## آشنایی با یک اثر ارزشمند در عرصه علم و دین

..... آیا می شود انسانی به کسی مهر ورزد در حالی که او را ندیده باشد؟  
این موضوع را شخصی از پیشوای ششم حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد، حضرتش در پاسخ فرمود:  
او من هستم که «کلیب اسدی» را ندیده ام ولی او را دوست دارم.<sup>(۱)</sup>  
ناگفته پیداست مهر امام به فردی که او را ندیده است بی ملاک نبوده طبعاً گزارش های یقین آفرین از  
کارها و گفتارهای او به حضرت رسیده و - لذا - به وی علاقمند شده بود.  
فارغ از هر نوع «مقایسه اندیشی» نگارنده این سطور یکی از مصادیق این ضابطه است زیرا شخصیت  
با فضیلتی مانند «استاد دکتر مهدی گلشنی» را از نزدیک ندیده ولی آثار علمی و فکری او در  
عرصه های علم و دین مایه ارادت نگارنده شده است.  
یکی از نعمت های بزرگ که خدای بزرگ درباره ایشان ارزیابی داشته است این که: شجره وجود او  
بسان یک درخت تناور، پیوسته مثمر ثمر بوده **تَوْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا**<sup>(۲)</sup> و هیچ گاه از  
نوآوری های علمی، و شکافتن افق تازه، باز نایستاده است.  
تلاش های توان فرسا، و در عین حال خستگی ناپذیر، ویژه پژوهشگران است که علاقه به تحقیق  
یکی از ابعاد روحی آنان را تشکیل می دهد و تا جان در تن دارند، از تلاش و حرکت علمی باز  
نمی مانند.  
کتابی که به نام «علم و دین» در اختیار خواننده است از آثار گرانبهای استاد محترم جناب دکتر

۱. رجال کشی، ص ۳۴۰.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۲۵.

گلشنی است، آگاهی کامل از ویژگی‌های آن، در گرو یک دور مطالعه با دقت است اما این مانع از آن نیست که به برخی از خصوصیات کتاب به صورت گذرا اشاره شود.

۱. مؤلف به گفته‌های برجسته عالمان غربی معاصر و متقدم در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی و تجربی، استناد، جسسه و در تقریر و تثبیت آموزه و عقاید اسلامی از آنها بهره برده است.

۲. استاد محترم با تتبع در کلمات دانشمندان غربی به اختلافات عمیق و نبودن همت نظر میان آنان در حوزه پیش فرض‌های کلان نظری توجه داده، سپس گرایش‌های قوی و نیرومند در میان آنان علیه علم سکولار را مطرح می‌سازد.

۳. از بحث‌های شیرین و دلپذیر کتاب ارائه آثار مخرب نظریه خودکفایی علوم تجربی و نفی دخالت‌های ارزشها و مسائل اخلاقی در علم و فناوری است.

یکی از سران شوروی سابق (گورباچوف) در دیدار خود با پاپ تصریح کرد که یکی از علل فروپاشی جماهیر شوروی، فصل دین از زندگی و نادیده گرفتن ارزش‌های اخلاقی بود.

مؤلف محترم با توجه به اشراف علمی خود کوشیده است در نقل دیدگاه‌های دانشمندان غربی، از منابع اصلی و دست اول بهره ببرد.

۵. و سرانجام، برخورداری اثر از نثر امروزی و مطابق با ذوق و سلیقه اقشار دانشگاهی - به ویژه رشته‌های علوم تجربی - را می‌توان از ویژگی‌های این اثر برشمرد.

ما در این بیان کوتاه نیم‌رخ از کتاب ترسیم کردیم، ولی ترسیم کامل و بهره‌گیری از جمال زیبایی آن در گرو بررسی دقیق کتاب به وسیله خواننده عزیز است. از این جهت با عرض پوزش دامن سخن را کوتاه کرده و خامه را به زمین می‌گذاریم، و توفیقات روزافزون معظم له را از خداوند خواهانم.

جعفر سبحانی

مؤسسه امام صادق علیه السلام

۱۳۹۷/۴/۳

# فہرست مطالب

۸	مقدمہ ویراست سوم	
۱۴	رابطہ علم و دین در جهان اسلام: در تمدن اسلامی و در عصر حاضر	فصل (۱)
۴۲	علم و دین در اروپای پس از قرون وسطی	فصل (۲)
۶۲	ارتباط علم و دین	فصل (۳)
۸۶	مسئله عدم خودکفایی علوم تجربی	فصل (۴)
۱۱۰	آیا علم و دین به دو فرهنگ متفاوت تعلق دارند؟	فصل (۵)
۱۳۰	کیهان شناسی و خلقت	فصل (۶)
۱۵۶	برهان نظم بر وجود خداوند بر اساس شواهد علمی	فصل (۷)
۱۸۴	معجزه	فصل (۸)

۱۹۸

مسأله شرور در جهان

فصل (۹)

۲۱۰

مسأله هدفداری جهان

فصل (۱۰)

۲۲۸

اصالت روح

فصل (۱۱)

۲۵۶

معاد

فصل (۱۲)

۲۸۸

ارزش‌ها و مسائل اخلاقی در علم و فناوری

فصل (۱۳)

۳۱۰

نقش متافیزیک در ربط دادن علم به دین

فصل (۱۴)

۳۳۶

نقش دین در علم

فصل (۱۵)

۳۵۶

علم آینده، چهارچوبی جامع‌تر لازم دارد

فصل (۱۶)

۳۷۴

نمایه اعلام

مقدمه<sup>s</sup>  
ویراست  
سوم

علم جدید در محیطی دین باور شروع شد و بنیان‌گذاران علم جدید، مطالعه طبیعت را یک عبادت می‌دانستند. اما کم‌کم مکاتبی که فقط برای یافته‌های حاصل از تجارب حسی شأن قائل بودند نضج گرفتند و پیشرفت سریع علم جدید، در بُعد نظری و بُعد عملی، موقعیت این گونه مکاتب را تقویت کرد. با ظهور پوزیتیویسم و داروینیسم در قرن نوزدهم و فرویدیسم در نیمه اول قرن بیستم و پوزیتیویسم منطقی در دهه ۱۹۲۰م. دین شأن خود را در محافل علمی از دست داد و بعضی پیش‌بینی کردند که در قرن بیستم دین به کلی از صحنه علم خارج خواهد شد؛ اما با خسارات حاصل از دو جنگ جهانی و نضج‌گیری مکاتب مختلف فلسفه علم، در نیمه دوم قرن بیستم، کم‌کم روشن شد که علم توانایی پاسخگویی به سؤالات بنیادی بشر را ندارد و حتی موفقیت خود را نیز نمی‌تواند توجیه کند.

همچنین روشن شد که انسان نمی‌تواند فارغ از بعضی عوامل دیگر جلوی آثار تخریبی علم در نابودی انسان‌ها و محیط زیست را بگیرد؛ بنابراین از دهه ۱۹۶۰م. به بعد به تدریج بازگشت به دین را در بعضی محافل علمی می‌بینیم. ایان باربور در دهه ۱۹۶۰م. کتاب معروف **علم و دین** را نوشت که در آن دیدگاه‌ها در مورد رابطه علم و دین را در چهار مقوله تعارض، استقلال، گفت و گو، و هماهنگی تقسیم کرد. چارلز تاونز، برنده جایزه نوبل در فیزیک، نیز در همان دهه مقاله‌ای در زمینه «تقارب علم و دین» نوشت.

به تدریج در دهه‌های پایانی قرن بیستم چاپ مجلات و کتب و برگزاری همایش‌هایی در زمینه علم و دین را می‌بینیم. در دهه ۱۹۹۰م.، بنیاد تمپلتون در آمریکا جوایزی برای ارائه دروس در زمینه علم و دین مقرر کرد و این دروس در بیشتر کشورهای جهان ارائه شد.

همچنین در دهه ۱۹۹۰م. شاهد فعالیت‌های ثمربخش بعضی دانشگاه‌ها در زمینه علم و دین بودیم و شمار زیادی مؤسسات مربوط به دین در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها تأسیس شدند. برای مثال در دهه‌های آخر قرن بیستم انجمن فلاسفه مسیحی به راه افتاد که تعداد اعضای آن مرتباً رو به افزایش بوده و اکنون چندین هزار عضو دارد. نکته مهم اینکه رابطه علم و دین هم از وضعیت خصمانه نیمه اول قرن بیستم به گفت و گو تبدیل شده است.



بسیاری از دانشمندان برجسته که پیشتر تمایلات دینی خود را بروز نمی دادند، اکنون به صراحت آن را ابراز می‌کنند. همچنین گرچه در بسیاری از کشورهای غربی تفکر سکولار حاکم است، اما تعداد قابل توجهی از بزرگان مرتبه اول علم معاصر متدین بودن خود را به روشنی یادآور شده‌اند و به دفع شبهات ملحدان و شکاکان پرداخته‌اند. جالب این است که اتحاد جماهیر شوروی، که همه وسائل دیکتاتوری را در اختیار داشت، نتوانست کلیسای ارتودوکس را از بین ببرد و درس علم و دین بنیاد تمپلتون در روسیه نیز عرضه شد.

بدین ترتیب، بر خلاف وعده بسیاری از عالمان در اول قرن بیستم، دین نه تنها از صحنه زندگی بشر بیرون نرفته، بلکه با قوتی بس بیشتر به صحنه زندگی انسان‌ها بازگشته است و مادریگر شدن بسیاری از عالمان برجسته زمان مان را در پاسخگویی به شبهات ملحدان و ماده‌گرایان می‌بینیم. اما متأسفانه این نسیم مثبت به دیار ما نرسیده است و سکولاریسم در محیط‌های علمی ما تقویت شده است. علت ریشه‌ای این موضوع به دلیل غفلت دانشگاهیان مسلمان و غالباً نخبگان حوزوی بوده است.

کتاب حاضر کوششی در جهت تبیین چالش‌های عرضه شده توسط علم معاصر در برابر ادیان الهی است. شالوده این پژوهش مبتنی بر درسی است که اینجانب برای نخستین مرتبه در ۱۳۷۴ ش. / ۱۹۹۵ م. در گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف ارائه کردم و در همان سال موفق به اخذ جایزه درس «علم و دین» بنیاد تمپلتون آمریکا شد.

اینجانب در نیمسال دوم تحصیلی ۹۶-۹۷ ش. این درس را با اضافاتی بسیار نسبت به درس قبلی ارائه کردم و این کتاب، حاصل درس جدید است. در این کتاب با ارجاع به افکار بعضی از متفکران برجسته غربی نشان داده شده است که در بسیاری از مسائل مطرح بین علم و دین، مشترکات بسیاری بین متفکران متدین غربی معاصر و فلاسفه و دانشمندان مسلمان وجود دارد، و اینکه با پیروی از جهان بینی اسلامی، مسلمانان می‌توانند به یک پیشرفت مطلوب پایدار دست یابند.

در این کتاب ابتدا به رابطه علم و دین در جهان اسلام و در جهان غرب، پس از

تکون علم جدید، پرداخته ایم. سپس مکاتب مختلف در مورد رابطه علم و دین را معرفی کرده ایم. آنگاه مسأله عدم خودکفایی علم تجربی و امکان حاکمیت یک فرهنگ مشترک بین علم و دین را مطرح کرده ایم. سپس به برخی مسائل چالش برانگیز که علم جدید در مقابل ادیان الهی مطرح کرده است پرداخته ایم. (وجود خداوند، خلقت جهان، معجزه، شرور، هدفداری جهان، اصالت روح، و معاد). آنگاه مسأله رابطه علم و ارزش‌ها را طرح کرده و مسأله مطلوب بودن علم دینی و ضرورت حاکمیت یک چارچوب جامع تر بر علم آینده را متذکر شده ایم.

برخی از مطالب این کتاب در پاره ای از کتاب‌ها و نوشتارهای پژوهشی و پیشین اینجانب آمده است. تکرار آنها در اینجا فقط به اقتضاء موضوع و ضرورت مطلب بوده است.

گفتن دو نکته مهم در اینجا ضروری است:

• نکته اول اینکه، پس از چاپ اول کتاب (بهار ۱۳۹۸ ش.) در زمانی کوتاه ویراست دوم آن نیز از سوی «دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی» در بهمن ۱۳۹۸ ش. انتشار یافت. همچنین ترجمه انگلیسی همین کتاب از سوی «مؤسسه بین‌المللی فرهنگی اکو» و به اهتمام انتشارات سفیر اردهال برای کشورهای حوزه فرهنگی اکو و کشورهای انگلیسی‌زبان جهان در ۱۴۰۰ ش. به انجام رسید. دریافت بازخوردهای مؤثر بین‌المللی از سوی فیلسوفان و پژوهشگران کشورهای غربی و نیز مراجعات پیوسته و پرسش‌های شایسته فرهیختگان کشورهای عرب زبان سبب شد تا ترجمه عربی این کتاب نیز در دستور کار قرار گیرد که در آینده نزدیک انتشار خواهد یافت.

• نکته دوم بازگویی برخی اضافات در ویراست جدید است. در این ویرایش فصل‌های «نقش دین در علم»<sup>۱</sup> (به جای «مقاله علم دینی») و «اصالت روح از منظر قرآن کریم، فلاسفه اسلامی و عالمان معاصر غربی»<sup>۲</sup> و نیز فصل «نقش متافیزیک در ربط دادن علم

۱) بررسی نقش دین در علم: مجله نقد و نظر. مجلد ۲۴. ش ۲. تابستان ۱۳۹۸ ش. صص ۵ - ۱۲.  
۲) اصالت روح: مجله غرب‌شناسی بنیادی. س ۱۰. ش ۲. پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش. صص ۱۰۱ - ۱۲۱.

به دین<sup>۱</sup> که دربردارنده پاسخ‌هایی مهم به بعضی چالش‌های روزآمد پیوند علم و دین هستند؛ به کتاب افزوده شده‌اند. حرف نوشتار بیشتر در نشریات علمی و فرهنگی به چاپ رسیده‌اند و اینک با رعایت اخلاق پژوهشی و دریافت اجازه از مدیران آنها بازنشر می‌شوند. از همکاری فرهنگی این عزیزان سپاسگزارم.

لازم می‌دانم از مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی شیخ جعفر سبحانی رحمته الله که پس از مطالعه پیش نویس کتاب حاضر، آن را مزین به پیشگفتار خویش فرموده‌اند؛ صمیمانه تشکر کنم.

از جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی عباسی، ریاست محترم جامعه المصطفی العالمیه رحمته الله، و از جناب آقای حجت الاسلام مصطفی نوبخت، مدیریت محترم انتشارات آن دانشگاه، از جهت همکاری صمیمانه و مؤثرشان در چاپ و انتشار کتاب سپاسگزارم.

جناب آقای دکتر سید حجت الحق حسینی در تهیه و تدوین جمیع جهات کتاب برای چاپ آن از هیچ کوششی دریغ نداشته‌اند و سرویراستاری و نمایه‌سازی اختصاصی کتاب را به انجام رسانده‌اند و من چاپ کتاب به این صورت زیبا را مرهون زحمات ایشان می‌دانم و از جناب ایشان کمال تشکر را دارم.

جناب استاد بهاء الدین خزمشاهی (قرآن پژوه، حافظ شناس، پژوهشگر و مترجم آثار علم و دین) و نیز آقایان دکتر مرتضی خطیری یانه سری، دکتر محمد جمالی، دکتر حمید فغانپورعزیزی و فرزند عزیزم علی آقا برخی پیشنهادهای نگارشی و ویرایشی سودمند در مورد کتاب ارائه کردند که بدین منظور از این عزیزان سپاسگزاری می‌شود.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

مهدی گلشنی

مهر ۱۴۰۲ ش. تهران